

انجام آزمایشات منجر به مرگ یا نقص عضو جانوران در فقه شیعه

ناهید دهقان عفیفی^۱ سید روح الله موسوی^۲

^۱ استادیار، گروه معارف اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، ایران

^۲ مربی گروه معارف اسلامی دانشگاه امام حسین (ع)

نویسنده مسئول: nd.afifi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۲۴

چکیده

جانوران به صورت‌های مختلف به انسان خدمت‌رسانی نموده‌اند. این موجودات با تامین نیازهای انسان خدمات شایسته‌ای را انجام داده و از دیرباز تاکنون مورد توجه آدمی بوده‌اند. در این میان برخی بهره‌برداری‌ها ظاهراً با حقوق اساسی جانوران در منافات می‌باشد. کشتار جانوران برای خوردن و یا از میان بردن زیان آنها، از جمله احتیاجات انسان به شمار می‌رود. ولی پیشرفت علم و تکنولوژی از طرفی، و نیز نیاز به درمان بیماری‌ها، انسان را به سمت حیوانات کشیده است. جانوران به دلیل شباهت‌های آناتومی، حیات نباتی و دیگر مؤلفه‌های وجود مادی، مورد توجه دانشمندان علوم مختلف از جمله پزشکی، ژنتیک و دیگر عرصه‌ها قرار گرفته و هدف آزمایش‌های مختلف بوده‌اند. حیوانات آزمایشگاهی حیواناتی هستند که با هدف شناسایی و ارزیابی خطرهای عارضه‌های ناشی از مواد شیمیایی و داروهای جدید، مورد استفاده قرار می‌گیرند. مسلم است که فساد و تباهی هر آنچه به عنوان نعمتی الهی به شمار می‌رود، ممنوع است. از طرفی آزار رساندن به حیوانات و کشتار بی دلیل آنها عملی محکوم شمرده می‌شود. پس انجام هر آزمایشی می‌تواند از دیدگاه عقل و دین حرام باشد. ولی به نظر می‌رسد حفظ جان انسان در صورت اضطرار اهمیتی به مراتب بیشتر از موجودات دیگر داشته باشد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که عقل بشر و شریعت اسلام با شرایطی استفاده از حیوانات را مجاز شمرده و بهره‌برداری از آنها را منوط به وجود ضرورت‌های عقلی نموده است. پس استفاده از جانوران در آزمایش‌های منتهی به مرگ یا نقص عضو و در کل هر آنچه موجب آزار آنان شود، باید دارای مصلحتی مهم و مرجح باشد. در غیر این صورت عقل و شرع اجازه چنین استفاده‌ای از جانوران را نمی‌دهد. این تحقیق بر پایه منابع کتابخانه‌ای و متون وحیانی با روش تحلیلی-توصیفی نگاشته شده است.

کلیدواژه: آزمایش - نقص عضو - فقه - مصلحت

مقدمه

جانوران در محیط زیست با انسان مشترک بوده و جزئی از محیط اطراف انسان شناخته می‌شوند. نقش آنها در حیات کره زمین بر هیچکس پوشیده نیست. در این میان این موجودات نقش‌های مختلفی را در زندگی آدمی ایفا می‌کنند. از آن جمله تامین نیازهای اولیه انسان مثل خوراک و پوشاک و نیز استفاده‌های تفریحی، علمی، ورزشی و غیره. این استفاده نوعاً از طرف عقل و عرف امری قابل قبول و حتی لازم می‌باشد. ولی گاه استفاده از حیوانات در موارد فوق خلاصه نشده و پیشرفت علم باعث گشته تا از آنها در حیطه‌های تخصصی مثل آزمایش‌های پزشکی و علوم تجربی - که معمولاً می‌تواند منجر به مرگ یا نقص حیوانات شود - برای رسیدن به نتایج لازم و مطلوب استفاده شود. ظاهر امر نشان می‌دهد که چنین برخوردهایی بی‌اشکال است ولی این امر نیازمند بررسی بیشتر است. فقه شیعه با پویایی خاص خود و در نظر گرفتن مصالح و مفاسد، حکم تمام موضوعات مبتلا به را بیان کرده است.

در رابطه با این موضوع نیز برخی ادله دلالت بر جواز و برخی دلالت بر عدم جواز دارند. حال سوال این است که ادله معتبر شرعی در رابطه با این موضوع کدامند و نیز نظر قطعی فقه در این رابطه چیست؟

پیشینه تحقیق:

تحقیقاتی که در این زمینه صورت گرفته‌اند به صورت عام بوده و گاه تنها نوع رفتار بررسی شده است. از میان تحقیقات انجام گرفته در مقاله‌ای با عنوان «رفتار با حیوان آزمایشگاهی از منظر قرآن» نوشته آقایان محمد کرمی و حامد نقی زاده است که در مجله اخلاق و تاریخ پزشکی در سال ۱۳۸۹ به چاپ رسیده است. این تحقیق تنها احکام قرآنی و روایی مربوط به محورهای نگهداری و بهره‌برداری و ممنوعیت آزار حیوانات را بیان کرده است. مقاله دیگری با عنوان «حقوق حیوانات در اسلام و قوانین جدید نگهداری از حیوانات آزمایشگاهی» نوشته آقای رضا قره باغی، خانم فاطمه حیدری و آقای محمد رضا واعظ مهدوی، است. منتشر شده در همایش کنگره فیزیولوژی و فارماکولوژی ایران در سال ۱۳۸۶. این پژوهش نیز موضوع مورد بحث راز منظر آداب مربوط به حیوانات در سنت بررسی کرده و نیز قوانین جدید در رابطه با نگهداری از حیوانات آزمایشگاهی را بیان نموده است.

تحقیقی دیگر با عنوان «مروری بر جنبه های اخلاقی در پژوهش های حیوانی» است، نوشته آقایان محمد زارع یدکی، محسن رضائیان و خانم پوران علی. منتشر شده در مجله علوم پزشکی رفسنجان در سال ۱۳۹۱. این پژوهش نیز تنها مسائل اخلاقی مربوط به آزمایش ها و پژوهش های حیوانی را محور تحقیق خود قرار داده و آداب مربوطه را بیان داشته است.

مقاله ای دیگر با عنوان حقوق حیوانات در فقه اسلامی، نوشته ابوالقاسم مقیمی حاجی، در مجله فقه اهل بیت علیهم السلام، شماره ۴۸ در سال ۱۳۹۲ به چاپ رسیده که نوعا آداب و احکام مربوطه را با روایات بیان نموده است.

جنبه نوآوری تحقیق:

این پژوهش علاوه بر بیان آداب مربوط به برخورد با حیوانات از دیدگاه سنت، به صورت استدلال فقهی، ادله معتبر شرعی یعنی کتاب، سنت، عقل و اجماع، را در هر دو طرف حرمت و جواز، بررسی و در نهایت نظر قطعی مستدل و فرعیات را بیان داشته است. این تحقیق بر اساس منابع کتابخانه ای و اسناد نوشتاری و به صورت توصیفی-تحلیلی و نقلی و برهانی نگاشته شده است.

مفاهیم بنیادی

فقه

فقه در لغت به معنای فهم و علم می باشد. (جوهری، ۱۴۱۰: ص ۲۲۴۳). علم و ادراک چیزی، یا علم به احکام شرعی از طریق دلائل تفصیلی، هوشیاری و زیرکی را نیز فقه گفته اند. (معلوف، ۱۳۷۷: ص ۸۳۲). برخی فهمیدن را نیز در معنای آن اتخاذ نموده اند. (قرشی، ۱۳۶۴: ج ۵ ص ۱۹۷). چنانکه در قرآن به همین معنا نیز به کار رفته است. (هود: ۹۱)

فقه در اصطلاح، علم به احکام شرعی است که از ادله تفصیلی استنباط می شود. در یک اصطلاح خاص، فقه احکام شرعی عملی است و شامل عبادات، معاملات و مسائل حقوق جزاء و تجارت و در اصطلاح عام شامل تمام معارفی که از سوی خداوند متعال به صورت اعتقادات، اخلاق و احکام نازل گشته است. (سید مرتضی، ۱۴۰۵: ص ۲۹۷). یعنی تمام آنچه بر رسول اکرم صلی الله علیه و آله نازل شده است. (طوسی، ۱۴۰۳: ج ۱ ص ۲۱). آیه نفر (توبه: ۱۲۲) بیان کننده همین نوع از فقه می باشد. در واقع فقه بیان کننده احکام و وظایف مکلفین می باشد. پایه و یا دلائل استنباط احکام از دیدگاه فقهای امامیه، کتاب، سنت، عقل و اجماع می باشند که نوع و طریق دلالت آن ها بر احکام را علم اصول فقه بیان داشته است.

مبانی فقهی عبارتند از آن قواعد و اصولی که برهان از آن قواعد و اصول تشکیل می شود. بر این مقدمات و مبادی عنوان مبانی بحث اطلاق می شود اما این مقدمات و مبادی را از کجا باید استنباط کرد؟ مدرک آنها را منابع بحث می گویند. (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ص ۶۹). مبانی در واقع دربردارنده تمامی اصول موضوعه و علل شرایع است؛ ولی برای تشخیص مراد از استعمال آن می توان به قرائن موجود در کلام تکیه کرد تا مراد واقعی استعمال کننده از این واژه مشخص شود. (منتظری، ۱۳۹۹: ص ۱۵).

آزمایش و پژوهش ها روی حیوانات

بعد از پیشرفت هایی که در عرصه تکنولوژی رخ داد بشر با شناخت بیشتر مواد و عناصر شیمیایی با خاصیت و ویژگی های هر کدام از آنها آشنا گردید و همین توانست او را مشتاق به ساخت دارو و درمان بیماری ها نماید. ولی این امر نیازمند آزمایش بود چراکه بدون درک عواقب و نتایج داروهای ساخته شده، امکان استفاده از آنها وجود نداشت. بنابراین باید راهی را برای آزمایش داروهای ساخته شده می یافت و بهترین جایگزین با کمترین هزینه استفاده از گونه های حیوانی بود.

جانورانی را آزمایشگاهی می گویند که به منظور شناسایی و ارزیابی خطرات و عوارض حاصل از مواد شیمیایی و داروهای جدید، مورد استفاده قرار می گیرند. در پژوهش های آزمایشگاهی یک امر متداول و مفید، آزمایش بر روی حیوانات است. از طرفی گونه حیوان نیز در شناخت آثار، مهم می باشد. استاندارد بودن گونه، نژاد، سهولت شرایط نگهداری حیوان، سیستم بیوشیمیایی، آناتومی یا خصوصیات بدنی حیوان مورد مطالعه، دوره زندگی و سیکل تولید مثل، حضور یا عدم حضور سیستم های پاسخ فیزیولوژیک در انسان، موش آزمایشگاهی و موش صحرایی استانداردترین حیوانات برای این تحقیقات آزمایشگاهی هستند. خرگوش و خوکچه هندی در رده های بعدی قرار دارند. (کریمی و نقی زاده، ۱۳۸۹: ص ۲۶).

بررسی حکم تکلیفی

بیان شد که حکم فقهی تکلیفی نیازمند معرفی منبع و مستندات لازم برای فهم حکم یک موضوع می باشد. این مستندات باید به گونه ای باشند که دلالت بر حکم را در برداشته باشند. با نگاه ابتدایی به موضوع مورد بحث باید دید آیا در میان نصوص دینی نسبت به آن نصی وجود دارد یا نه، سپس از آن دلیل حکم مورد نظر را استنباط نمود. مسلم است که نصوص دینی نسبت به این مسئله به صورت خاص حکمی را بیان نکرده اند. چراکه مبتلا به دوره نزول آیات و صدور روایات نبوده است. بنابراین لازم است تا با نگاهی عمیق تر به ادله استنباط و اجتهاد رجوع نموده و کلیات را واکاوی کرد. در میان ادله ای که

می‌توانند در این باره مورد کنکاش واقع شوند، گروهی دلالت بر حلیت و دسته‌ای دیگر حرمت را بیان داشته‌اند که در ذیل به صورت جامع بیان خواهد شد.

بررسی دلائل حرمت

اولین گروه از منابع فقه یعنی کتاب و سنت، مربوط به دلائل حرمتند. به این بیان که می‌توان از آنها برداشت ممنوعیت چنین رفتارهایی را با جانوران داشت.

اول کتاب

الف آیات دال بر فساد

گروهی از آیات قرآن کریم بیان‌کننده حرمت افساد هستند. افساد به معنای تباهی است. فساد هر نوع خروج از حد اعتدال است، خواه کم باشد یا زیاد و نقطه مقابل آن صلاح است و این در جان و بدن و اشیائی که از حد اعتدال خارج می‌شوند تصور می‌شود. (قرشی، ۱۳۶۴: ج ۵ ص ۱۷۵). از نقطه نظر مفسرین نیز تمام نابسامانی‌هایی که در کارها ایجاد می‌گردد و همه افراط و تفریط‌ها در کل مسائل فردی و اجتماعی، مصداق اسراف می‌باشد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ج ۱۰ ص ۲۳۷).

قرآن کریم در چندین مورد مصداق فساد را بیان داشته و هیچکدام در مقان حصر معنا و مفهوم فساد نیستند. گاه کفر (انفال: ۷۳). گاه کم‌فروشی (شعرا: ۱۸۳-۱۸۲). و نیز گاهی فعالیت علیه نظام اسلامی را فساد می‌داند. (نمل: ۴۸-۴۹). ناگفته پیداست که اینها همه در مقام بیان مصداق فساد می‌باشند و نه تفسیر مفهوم آن. (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ج ۲ ص ۵۶۶).

این آیات بیانگر این نکته مهم می‌باشند که انسان نباید در زمین اقدامی در جهت نابودی و تباهی انجام دهد. از جمله آیات مربوطه می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

«و یقطعون ما أمر الله به أن یوصل و یفسدون فی الارض اولئک هم الخاسرون» (بقره: ۲۷).

ترجمه: و می‌برند آنچه را که خدا امر به پیوند آن کرده است (که رحم است و خدا امر نموده به صله رحم و ایشان قطع کنند) در زمین و میان اهل آن فساد می‌کنند به حقیقت زیانکار هستند.

خدای سبحان عقیده، خلق و عمل صالح، یعنی دین را مایه صلاح زمین می‌داند و کسانی را که در مقابل عقیده حق و خلق صحیح و عمل صالح قرار گیرند، مفسد در زمین می‌داند و به انسان‌ها می‌فرماید: ما به وسیله دین زمین را اصلاح کردیم. (جوادی آملی، ۱۳۷۹: ج ۲ ص ۵۶۶). شما زمین اصلاح شده را فاسد نکنید. (اعراف: ۵۶). این آیه به همراه آیات دیگر متشابه مفسدین را زیان‌کاران، و دور از رحمت الهی و دچار عقاب الهی دانسته است. (رعد: ۲۵). و در برخی دیگر از آیات به دنبال فسادانگیزی بودن را ممنوع داشته است:

«و أحسن کما أحسن الله الیک و لا تبغ الفساد فی الارض ان الله لا یحب المفسدین» (قصص: ۷۷).

ترجمه: نیکی کن چنانکه خدا به تو نیکی و احسان کرده و هرگز در روی زمین فتنه و فساد برنیزان که خدا مفسدان را ابداً دوست نمی‌دارد.

نهی موجود در آیه «لا تبغ» ظاهر در حرمت می‌باشد. بنابراین هر نوع فساد و تباهی از دیدگاه پروردگار متعال محکوم به حرمت است. در طریق استدلال به این آیات باید گفت، آزمایش‌های روی حیوانات منجر به مرگ و یا نقص عضو جانوران می‌شود و این نوعی فساد و تباهی است. میراندن و نقص عضو حیوان مصداق فساد خواهد بود. در برخی از آیات واژه افساد به صورت روشن‌تر به موضوع مورد بحث اشاره نموده است؛ خداوند متعال می‌فرماید:

«وَإِذْ تَوَلَّى سَعَىٰ فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا ۖ وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ ۗ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفَاسِدِينَ» (بقره: ۲۰۵).

ترجمه: و آنگاه که پشت کند در روی زمین تلاش می‌کند تا فساد و حاصل و نسل بشر را هلاک کند و خداوند دوست ندارد فساد را.

این آیه شریفه در صدد بیان حکم حرمت افساد می‌باشد و در آن از نابود کردن زراعت و نسل سخن گفته است. از میان بردن نسل جانوران زنده خواه انسان باشد یا حیوان از منظر این آیه افساد تلقی شده است. (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ج ۱۰ ص ۲۲۴). آزمایش‌هایی که منجر به مرگ حیوان شده و یا حتی تغییرات ژنتیکی که نوعاً نسل گونه‌های حیوانی را تهدید می‌نماید نیز می‌تواند مصداق افسادی باشد که در آیه شریفه بیان شده است.

نقد استدلال

این آیات گرچه بیان‌کننده حرمت افساد و تباهی در زمین می‌باشند، ولی نمی‌توان از آنها حکم حرمت آزمایش‌های روی جانوران را برداشت نمود. چراکه اباحه استفاده‌ها از نعمات الهی در بسیاری از آیات بیان شده و عقل نیز موید آن می‌باشد. از طرفی اثبات فساد بودن چنین آزمایش‌هایی دشوار می‌نماید.

ب) آیات دال بر حرمت تغییر خلق

برخی از آیات قرآن نسبت به تغییر خلق و اکنش نشان داده و این عمل را رفتاری شیطانی نامیده است. زمانی که پروردگار متعال فرشتگان را امر به سجود بر آدم علیه السلام نمود، ابلیس از این فرمان سرپیچی نموده و از درگاه الهی طرد گردید. در ادامه شیطان به خداوند متعال عرضه می‌دارد که سوگند به خودت که از بندگان تو گروهی را زیر بار طاعت خویش خواهم آورد و در نهایت آنها را دستور می‌دهم تا گوش حیوانات را ببرند:

«و لآمرتھم فلیغیرنّ خلق اللّٰه» (نساء: ۱۱۹).

ترجمه: و امر می کنم تا خلقت خدا را تغییر دهند.

در این آیه شریفه بریدن گوش حیوان و تغییر خلق دو نکته مهم را در بر دارد که می توان از آنها ممنوعیت آزمایش های روی حیوانات را از دیدگاه قرآن استنباط نمود. چراکه اگر بریدن گوش حیوان خواسته شیطان باشد، از نقطه نظر خداوند متعال امری قبیح است، چرا باید آزمایش هایی که منجر به نقص عضو و یا مرگ حیوان می شوند، جایز باشند؟ از طرفی خلقت حیوانات در طبیعت با غرض خاصی صورت گرفته است. مسلماً این جانوران با ورود به آزمایشگاه و مورد استفاده قرار گرفتن در تحقیقات پزشکی و غیره از هدف اصلی خلقت خویش دور شده و این همان تغییر در خلق است. از طرفی برخی آزمایش های ژنتیکی و شبیه آن منجر به تغییر خلقت مادی حیوانات و حتی تبدیل ماهیت آنها می شود. بروز اختلالات ژنتیکی در آنها آثار مخربی را بر حیات جانوران و حتی انسان دارد. بنابراین چنین آزمایش ها و پژوهش هایی مصداق تغییر در خلق می باشد و از دیدگاه آیه شریفه تغییر در خلق الهی خواسته شیطان بوده و از نظر خداوند متعال مطرود و حرام خواهد بود.

نقد استدلال

اشکال وارد بر این استدلال را می توان چنین بیان نمود که کلمه «خلق» در آیه شریفه با توجه به آیات دیگر، به «دین» تفسیر شده است:

«فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ» (روم: ۳۰).

ترجمه: روی خود را متوجه آئین خالص توحید کن همان سرشتی که خداوند از آغاز مردم را بر آن قرار داده و این آفرینشی است که نباید تبدیل گردد این است دین صاف و مستقیم.

در احادیث هم همین تفسیر به چشم می خورد. از امام باقر و امام صادق علیهما السلام چنین روایت شده است که مقصود از تغییر فطرت، توحید و فرمان خدا می باشد. (فیض کاشانی، ۱۴۱۶: ج ۱ ص ۵۰۰). گرچه برخی از مفسرین هم هستند که به اطلاق آیه تمسک جسته و تغییرات عمده مثل تغییر زن به مرد و بالعکس را تحریم نموده اند. (قرائتی، ۱۳۸۴: ج ۴ ص ۳۹۰).

اشکال دیگری که متوجه این استدلال می باشد، ضعف صغری و کبرای استدلال می باشد. به این ترتیب که هر نوع تغییر در خلق الهی ممنوع نیست. و از نظر کبروی نیز چنانکه بیان گردید، آیه در صدد بیان تحریم تغییر دین می باشد.

ج) آیات مربوط به اسراف

در این دسته از آیات خداوند متعال از اسراف نهی کرده است:

«كُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا» (اعراف: ۳۱).

این آیه با دو امر نسبت به خوردن و آشامیدن و یک نهی از اسراف وارد شده است. بدین معنا که خداوند متعال انسان وارد شده است. بدین بیان که خداوند متعال انسان را از داشتن حقوق اساسی، منع نکرده، بلکه نسبت به تأمین آنها فرمان نیز صادر کرده است. با دقت در آیه شریفه و نیز آیات مناظر می توان دریافت که استفاده از نعمات الهی و در آن میان جانوران برای تأمین نیازهای اساسی است. خداوند متعال می فرماید:

«اللّٰهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْاَنْعَامَ لِتَرْكَبُوا مِنْهَا وَ مِنْهَا تَأْكُلُونَ» (غافر: ۷۹).

ترجمه: خداست آنکه برای شما آدمیان چارپایان را آفرید تا بر بعضی سوار شوید و از برخی تغذیه کنید.

این آیه بیان کننده استفاده های عقلانی است که همانا تأمین نیاز اساسی مثل خوراک و استفاده بارکشی است و فراتر از آن نیازمند دلیل می باشد. به این ترتیب که آزمایش ها و امور دیگر که منجر به مرگ و میر و نیز نقص عضو حیوان می شود، می تواند اسراف و زیاده روی از حدود محسوب می شود. به عبارت دیگر آیا حیوانات با هدف انجام آزمایش های پزشکی آفریده شده اند؟

نقد استدلال:

چنانکه در مورد دیگر آیات نیز گذشت استفاده عقلانی نه تنها توسط شرع اسلام بلکه توسط عقل نیز مورد تأیید است و آنچه در آیه فوق بیان گردیده است، تنها نمونه ای از استفاده های مجاز می باشد و این به معنای خصوصیت نیست. اسراف و زیاده روی نیز تعریف خاص خود را داشته و استفاده های عقلانی از محدوده تعریف مذکور خارج می باشند.

دوم) سنت

دلیل دیگر معتبر شرعی، سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام می باشد که از آن به روایات و احادیث نیز تعبیر می شود. در این بخش روایاتی که می تواند دلیل بر حرمت واقع شوند مطرح می شود.

الف) روایاتی که از ایذاء حیوانات منع کرده اند

این دسته از روایات بر این نکته دلالت دارند که هر نوع آزار رساندن به حیوانات از دیدگاه آموزه های دینی امری غیر قابل پذیرش است. این نوع از روایات خود بر چند نوع هستند:

در برخی از روایات از به جنگ واداشتن حیوانات نهی شده است:

عن رسول الله صلى الله عليه و آله قال: «نهى عن تحريش بين البهائم آلا الكلاب» (احسائي، ۱۴۰۳: ج ۱ ص ۱۷۱).

ترجمه: رسول الله صلى الله عليه و آله به جنگ واداشتن حیوانات را ممنوع دانسته به غیر از سگ ها.

احادیث دیگری نیز با همین مضمون از امام صادق علیه السلام از طریق ابان بن عثمان (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۶ ص ۵۵۳). و مسمع (همو، همان: ص ۵۵۴). نقل شده اند. این هم نشان دهنده نهی از ایذاء جانوران می باشد. آزمایش های پزشکی و بیشتر امور وابسته به آن ناخواسته موجب ایذاء حیوانات می شود. پس باید مطابق با نواهی وارد شده ممنوع باشند.

در برخی دیگر حمل بار بیش از توان حیوان مورد منع واقع شده است.

عن السكوني عن أبي عبدالله عليه السلام قال: «للدابة على صاحبها ستة حقوق لا يحملها فوق طاقتها و لا يتخذ ظهرها مجالس يتحدث عليها.» (برقی، بی تا: ج ۲ ص ۶۲۷).

ترجمه: امام صادق علیه السلام فرمود: حیوان بر صاحبش شش حق دارد اول اینکه بیش از توانش بر آن بار نهد و پشت حیوان را جایگاه نشستن برای سخنرانی ننماید.

این گروه از احادیث بیانگر این نکته اند که اگر باری بیش از طاقت و نیروی حیوان بر دوش آن گذارده شود موجب آزار حیوان شده و این رفتار ممنوع است. در روایتی دیگر چنین آمده است:

عن علي عليه السلام أن رسول الله صلى الله عليه وآله نهى أن تحمل الدواب فوق طاقتها. (تمیمی مغربی، ۱۳۸۳: ج ۱ ص ۳۴۷).

ترجمه: پیامبر صلی الله علیه و آله از بار زدن بیش از نیروی حیوان، منع کردند.

روایات بیان شده در ظاهر حکم حیوان بارکش را بیان می دارند. اما می توان حکم را به دیگر جانوران سرایت داد. چرا علت این امر مشخص است و آن تعدیب جانور بارکش می باشد. بنابراین با الغای خصوصیت می توان حکم نهی از تعدیب را به دیگر گونه ها هم سرایت داد. پس در نتیجه هر عملی که فراتر از توان حیوان باشد مطابق این احادیث ممنوع خواهد بود. به عنوان مثال در بحث حاضر استفاده از برخی روش های آزمایشگاهی دارویی یا تشریح فراتر از نیروی یک حیوان است. پس این گونه رفتارها نباید انجام گیرد.

ب) روایاتی که از کشتار جانوران نهی کرده اند

روایاتی از جانب معصومین علیهم السلام صادر شده اند که گویای ممنوعیت کشتار و قتل حیوانات می باشند. از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود:

«أقذر الذنوب ثلاثة: قتل البهيمة و حبس مهر المرأة و منع الأجير أجره» (حر عاملی، ۱۴۱۲: ج ۵ ص ۱۳۲).

ترجمه: بدترین گناهان سه تا است: کشتن حیوان و منع زن از مهریه و عدم پرداخت اجرت اجیر.

در حدیث دیگری نیز چنین روایت شده است:

عن أبي عبدالله عليه السلام قال: «إن امرأة عذبت في هرة ربطتها حتى ماتت عطشاً.» (صدوق، ۱۳۶۴: ۲۷۸).

از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: زنی به خاطر اینکه گربه ای را حبس نمود تا از گرسنگی مرد، عذاب شد.

در حدیث اول از لفظ «بهيمة» استفاده شده است که در معنای چهارپاست. ولی می توان با الغای خصوصیت و با قرینه های عقلی و نقلی آن را به دیگر حیوانات نیز تسری داد.

مطابق این روایات کشتار جانوران بدون دلیل عقلانی امری مذموم شمرده شده است. اگر آزمایش های انجام گرفته روی حیوانات منجر به مرگ آنها شود، باید طبق آنچه گفته شد ممنوع شمرده شود. دلالتی که می تواند مجوز قتل حیوانات باشد عمدتاً توسط عقل تأیید می شوند و گاه شرع به آنها حکم می نماید. تأمین نیازهای اساسی مانند خوراک، و یا دفع آزار حیوانات با فقدان راه مرجح، می تواند از این جمله باشند. در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است که گویای جواز قتل در صورت ایذاء است:

«نهى النبي صلى الله عليه و آله عن قتل كل ذي روح آلا أن يؤذى» (متقی هندی، ۱۴۰۹: ج ۱۵ ص ۳۹).

ترجمه: پیامبر صلی الله علیه و آله از کشتن هر جانداري نهی نمود مگر اینکه آزار برساند.

ج) روایاتی که از مثله کردن نهی کرده اند

در آموزه های دینی مثله کردن امری حرام تلقی شده است. مثله به معنای قطع اعضاء می باشد. (ابن اثیر، ۱۳۶۴: ج ۴ ص ۲۹۴). روایات بسیاری در زمینه مثله کردن وجود دارند:

عن رسول الله صلى الله عليه و آله قال: «من مثل بحيوان فعليه لعنة الله و الملائكة و الناس أجمعين.» (متقی هندی، همان: ص ۳۸)

ترجمه: لعنت خدا و ملائکه و مردمان بر کسی باد که حیوانی را مثله کند.

این حدیث و روایات مشابه آنها بیان کننده حرمت هستند (همو، همان: همان جا). چرا که در آنها مستقیماً فرد مثله کننده ملعون خطاب شده و این توصیف نشان از پلید بودن این فعل و فاعل آن دارد.

مسلماً طریق استدلال به این دسته از روایات کاملاً مشخص است چراکه رفتاری که در آزمایشگاه ها و تحقیقات پزشکی و عملی بر روی حیوانات انجام می گیرد نوعاً با مثله کردن همراه است. مگر آزمایش برخی داروها که بدون قطع اعضاء هستند.

د) روایاتی که دال بر ممنوعیت عقیم کردن حیوانات هستند

در برخی از احادیث اهل بیت علیهم السلام به مواردی برخورد می شود که در آنها عقیم نمودن حیوانات امری ممنوع شمرده شده است:

عن طلحة بن زيد عن أبي عبدالله عليه السلام عن أبيه عليه السلام قال: «أنه كره اخصاء الدواب والتحريش بينهما» (برقی، همان جا: ج ۲ ص ۶۳۴).

ترجمه: امام صادق علیه السلام از پدرش چنین نقل می کند که ایشان عقیم نمودن جانوران و به جنگ واداشتن آنها را مکروه می داشت.

نکته قابل تأمل در مورد این روایت استفاده از لفظ «کره» است که در روایات اعم از کراهت اصطلاحی و حرمت می باشد. اگر عقیم نمودن جانوران امری مکروه است، طبعاً آزمایش بر بروی آنها هم ممنوع خواهد بود. چراکه عقیم نمودن علاوه بر اینکه حق ادامه نسل را از جانور سلب می کند، باعث آزارش نیز می شود. آزمایش های منجر به مرگ نیز می تواند حق ادامه نسل را گرفته و موجب آزار حیوان باشد.

البته بیشتر فقهای شیعه نظریه کراهت را در زمینه عقیم سازی پذیرفته اند (ابن ادریس، ۱۴۱۴: ج ۳ صص ۲۱۵-۲۱۶). و برخی دیگر این عمل را حرام می دانند. (حلی، ۱۴۰۳: ص ۲۸۱). و آن در مورد حیوانات و جایی است که مصلحتی در میان باشد؛ در غیر اینصورت عقیم سازی بدون مصلحت عقلانی جایز نیست. (موسوی، ۱۳۹۴: ص ۹۵).

ه) روایاتی که از زجر دادن هنگام ذبح نهی کرده اند

عن غياث بن ابراهيم عن أبي عبدالله عليه السلام أن أميرالمومنين عليه السلام قال: « لا تذبح الشاة عند الشاة و لا الجزور عند الجزور و هو ينظر اليه.» (کلینی، همان جا: ج ۶ ص ۲۳۰).

ترجمه: امیرالمومنین علیه السلام فرمود: گوسفند را پیش گوسفند و شتر را پیش شتر ذبح نکن.

نیز مطلق کشتن به صورت محبوس نمودن نیز ممنوع است؛

عن النبي صلى الله عليه وآله: «نهى عن قتل الدواب صبراً» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۸۳ ص ۹۳).

از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است که از کشتن حیوان به صورت حبس و بسته شده نهی نمود.

در توضیح این روایت باید گفت: «صبراً» در اینجا به معنای بستن حیوان و مجروح نمودن آن به قصد کشتن است.

قتل صبر، که از آن نهی شده، عبارت است از این که کسی را در جایی باز دارند آب و نان ندهند تا بمیرد. (شهابی، ۱۴۱۷: ج ۱ ص ۱۸۶). در روایتی چنین وارد شده است:

این روایت علاوه بر اینکه کشتار حیوان را به صورت محبوس ممنوع دانسته، توجه به حس حیوان را لازم شمرده است. در واقع این نکته را مد نظر قرار داده است که حیوانات را نباید در منظر و جلوی دیدگاه همدیگر به قتل رساند. چراکه موجب آزار و اذیاست. معمولاً کارهایی که در آزمایشگاه ها صورت می گیرد، حبس حیوان به منظور کشتن است. و مطابق این روایات باید ممنوع شمرده شوند.

نقد استدلال:

در پاسخ به این استدلال باید گفت: سودی که از آزمایش های پزشکی عاید انسان می شود، عقلانی بوده و در مقام اضطرار صورت می گیرد.

سوم) عقل

از دیگر دلائلی که می توان به آن استناد جست، عقل است. به این بیان که برخی از اخبار و گزارش ها گویای سوء استفاده از آزادی آزمایش روی حیوانات می باشد. به این بیان که آزمایش ها، از حالت طبیعی خارج شده و بدون کوچکترین توجهی به لزوم آزمایش، این گونه رفتارها انجام می گیرد. از نظر گروهی، آزمایش بر روی حیوانات، برای عده ای درآمدهای کلان را به بار می آورد؛ از طرفی آزمایش های ادعا شده، توجیه مناسبی از منظر علم نداشته و غالباً می تواند به صورت جایگزین انجام شود. پاسخ ها و نتایجی که از این تحقیقات به دست می آید از نظر گروهی از مدافعین حقوق حیوانات ارزشی چندانی ندارد. گفته می شود شواهد بسیاری ثابت می کنند که بسیاری از آزمایش های حیوانی غیر مؤثر و غیر واقعی بوده و اطلاعات واقعی با مطالعات وری انسان کسب می شود. مثلاً ارتباط میان سیگار کشیدن و سرطان ریه در تمام تلاش های آزمایشگاهی به نتیجه ای نرسید اما همین امر در انسان مشاهده شده است. ارتباط میان مصرف الكل و سیروز کبدی که در انسان قطعی است در تلاش های مکرر برای ایجاد سیروز در تمام پرمات ها به جز بابون ها با شکست مواجه گشت. (روشنایی، ۱۳۹۱: ص ۱۴). طبق گزارش **92.fda** درصد تمام داروهایی که در حیوانات نتایج مطلوب داشتند، در آزمایش های بالینی روی انسان به علت سمی بودن یا ناکارایی، رد شده اند. (همو، همانجا: ص ۱۵).

نکته قابل تأمل دیگر آنی نوع برخورد با حیوانات می تواند صدمات روحی و روانی برای دانشجویان و پرسنل آزمایشگاه ها داشته باشد. به این دلیل که کشتار و انجام هر نوع عملی که مستقیم یا غیر مستقیم منجر به مرگ حیوان می شود، و کاملاً عامدانه و عالمانه انجام می شود، می تواند قساوتی را در دل ایجاد کند که شرع از آن نهی نموده است. (صدوق، بی تا: ج ۲ ص ۵۳۰).

از طرفی می تواند حس سلطه طلبی برای انسان ایجاد نماید. نفس انسان به خودی خود سرکش است (یوسف: ۵۳). و همین امر می تواند موجب سلطه گری او در عالم طبیعت گشته و آثار سوئی را بر جای بگذارد.

بررسی دلائل حلیت

اول کتاب

اولین آیه ای که در این زمینه می تواند مورد استناد واقع شود، مربوط به نعمات الهی است؛ خداوند متعال در قرآن می فرماید:

«هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا» (بقره: ۲۹).

ترجمه: او همان خدایی است که همه آنچه را (از نعمت ها) در زمین وجود دارد، برای شما آفرید.

این آیه در مقام بیان آفرینش تمام هستی برای بشر می باشد. پس اصل در تمام آفریده های خداوند جواز تصرف است مگر اینکه دلیل خاصی مبنی بر حرمت و ممنوعیت وجود داشته باشد. انسان مطابق این آیه می تواند تمام مواهب طبیعی را مسخر خویش ساخته و از آنها استفاده شرعی و عقلانی نماید. حیوانات آفریده های خداوند متعال بوده و جزء هستنی اند. پس اگر تمام هستی برای آدمی خلق شده هر نوع بهره برداری از آن ها نیز جایز خواهد بود مگر اینکه دلیلی بر خلاف آن وجود داشته باشد. آزمایش های پزشکی نیز نوعی استفاده از حیوانات برای پیشبرد علم بوده و نمی توان حکم به تحریم آن نمود. چراکه دلیلی معتبر از جانب شرع بر خلاف آن وجود ندارد.

در جای دیگری از قرآن چنین نازل شده است:

«يَسْئَلُونَكَ مَاذَا أَحَلَّ لَكُمْ لَهْمَ قُلْ أَحَلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتِ وَ مَا عَلَّمْتُمْ مِنَ الْجَوَارِحِ مَكْلَبِينَ تَعْلَمُونَهُنَّ مِمَّا عَلَّمَكُمُ اللَّهُ فَلَكَؤا مِمَّا أَمْسَكْنَ عَلَيْكُمْ وَ اذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ» (مائده: ۴).

ترجمه: ای پیغمبر! از تو خواهند پرسید که بر آنها چه چیز حلال گردیده؟ بگو: برای شما هر چه پاکیزه است حلال شده است و نیز صیدی که سگان شکاری آموخته اید که به آنها آنچه خدا به شما یاد داده می آموزید پس صیدی که برای شما ننگه دارند بخورید و نام خدا را بر آن صید یاد کنید. مطابق آیه شریفه استفاده از جانوران تنها در تامین نیازهای اساسی از وجود آنها خلاصه نمی شود بلکه باربری و شکار از دیگر استفاده هایی است که می تواند مجاز باشد و همین بیانگر الغای خصوصیت و عدم حصر است. آزمایش های پزشکی نیز نوعی استفاده است و جزء اموری عقلانی می باشند. پس باید جایز باشند.

سوم) اصل اباحه

مطابق حکم عقل و آنچه که از بیشتر آیات و روایات برداشت می شود، اصل در تمام اشیاء اباحه است. البته اصل اباحه در واقع جواز عقلانی تصرف در تمام اشیاء پیش از بیان حکم شرع می باشد. (قاسمی، ۱۳۹۵: ۲۹۰). مطابق این اصل هرگاه در رابطه با حرمت و ممنوعیت چیزی تردید ایجاد شود، حکم به اباحه و جواز خواهد شد. چراکه حکم وجوب و حرمت نیازمند دلیل شرعی و یا نص شرعی و یا حکم مسلم عقل است؛ در این مورد قرآن کریم می فرماید:

«قُلْ لَا أَجِدُ فِي مِ آوْحِي إِلَيَّ مَحْرَمًا عَلَى طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مِيتَةً أَوْ دَمًا مَسْفُوحًا أَوْ لَحْمَ خِنزِيرٍ» (انعام: ۱۴۵).

ترجمه: بگو ای پیغمبر در احکامی که به من وحی شده من چیزی را که برای خوردگان طعام حرام باشد نمی یابم جز آنکه میته باشد یا خون ریخته یا گوشت خوک.

در هر صورت این اصل بر اباحه تصرف در تمام اشیاء دلالت دارد و آزمایش های انجام گرفته روی حیوانات نیز جزء اموری می باشند که می توان این اصل را در مورد آنها جاری دانست.

اگر حکم شرعی و یا نص صریحی نسبت به حرمت چنین کارهایی وجود نداشته باشد، مسلماً باید این اصل را جاری دانست. در صورت وجود شک نیز می توان اصل اباحه را جاری نمود چراکه مجرای این اصل، شک در اصل تکلیف است.

بحث

احکام اسلامی بر مبنای مصالح و مفاسد بنا شده اند. در واقع احکام اولیه اسلام بر مبنای مصالح و مفاسد بوده و از آن تبعیت می کنند. حرمت دروغ، تهمت، غیبت، قتل و محرمات دیگر و یا وجوب وضوء، غسل، نماز و غیره بر اساس عنوان اولی خود و در حالت عادی بوده و واجب و حرام هستند و عمل به آنها لازم و ضروری است. (منتظری، ۱۳۹۹: ص ۱۶۲).

این قاعده در تمام احکام می تواند جاری باشد؛ ولی چنانکه در مورد حکم ثانویه گفته می شود، گاه شرایط زمانی و مکانی می تواند منجر به تغییر احکام گردد.

در رابطه با حیوانات گفتنی است حکم اولیه در مورد استفاده از آنها مطابق حکم اولیه شرع و تایید عقل، اباحه می باشد. به این ترتیب که خداوند متعال زمین و هر آنچه در آن است را برای استفاده انسان آفریده است. (بقره: ۲۹). ولی مطابق ادله معتبر شرعی استفاده نیز دارای شرایطی است که مستلزم رعایت می باشند:

اولاً خداوند متعال از اسراف منع نموده است. (انعام: ۱۴۱). اهلاک و نابودی نیز امری غیر مطلوب به شمار رفته (بقره: ۱۹۵). و فساد و ایجاد تباهی از جمله اموری می باشند که منع شده اند. (اعراف: ۵۶). بنابراین استفاده از نعمات الهی باید مطابق با اصول و شرایطی قانونمند باشد. ثانیاً اصل و یا قاعده مذکور در مورد نعمات الهی در مورد هر کدام از آنها می تواند با دیگری متفاوت باشد. چه بسا تغییر در احوال یک نعمت، سبب حرمت آن و یا حلیت گردد. بنابراین می توان گفت استفاده از حیوانات در مقام نیاز انسان جایز است. به این معنا که حکم اولیه استفاده از آنها در صورت احتیاج، اباحه است. ولی اگر شرایط ایجاد نماید، همین حکم اولیه می تواند به حرمت تبدیل شود. و چه بسا استفاده بدون نیاز، حکم حرمت را داشته باشد. همانطور که در شکار با قصد تفریح گفته شده است. (طوسی، ۱۳۶۵: ج ۳ ص ۲۱۷).

با آنچه گفته شد و با روایاتی که در مورد نهی از آزار حیوانات وارد شده، آزار بدون دلیل، امری قبیح و حرام محسوب می شود. بلکه کشتن و نقص عضو که حالت اشد آزار است، بر حیوان تحمیل می شود و همین می تواند دلیل بر حرمت باشد. ولی عقل استفاده ضروری را امری جایز شمرده و شریعت بدان تصریح نموده است. (مائده: ۳).

این همه زمانی است که انسان نسبت به حیوان نیازی نداشته باشد. وگرنه کشتن حیوان برای خوراک لازم می نماید. و نیز قتل و جرح جانوران برای در امان ماندن از صدمات آنها نیز عقلاً پذیرفتنی است. آزمایش هایی که انجام می گیرد اگر با شرایط لازم و ضرورت همراه باشد، جایز خواهد بود. بنابراین باید پذیرفت که حیوانات تنها در صورت ضرورت می توانند مورد استفاده واقع شوند. در رابطه با آزمایش هایی که به هر نحو روی حیوانات انجام می گیرد باید نکاتی را به صورت جدی مد نظر قرار داد:

اول) اگر راه جایگزین برای آزمایش وجود داشته باشد، باید به همان اکتفا شود.

دوم) آزمایش باید توجیه عقلانی داشته باشد.

سوم) آزمایش باید، حقیقتاً برای سلامتی انسان و یا هدفی فوق العاده مهم صورت گیرد. به این بیان که باید مصلحت انسان و حیوان سنجیده شود. اگر مصلحتی که حیوان را به مسلخ می کشاند، اهمیت ویژه ای نداشته باشد، مسلماً آزمایش نیز امری ممنوع و از دیدگاه شرع حرام خواهد بود. به عنوان مثال آزمایش هایی که برای درک تاثیر لوازم آرایشی، تاثیر توتون های جدید برای سلامتی و یا تغییرات ژنتیکی که نوعاً با هدف کنجکاوی انجام می گیرد، غیر عقلانی و مصلحت آمیز محسوب نمی شوند.

چهارم) در تعداد گونه ها و کیفیت و کمیت به حداقل اکتفا شود.

نتیجه گیری

حیوانات گونه های مختلفی از آفریده های پروردگار متعال می باشند که برای جریان طبیعت لازم بوده و خلقت آنها بدون هدف و انگیزه نبوده است. بشر با حکم عقل خویش و نیز با حجت شرعی مجوز لازم برای استفاده از طبیعت را به دست آورد. خوراک، پوشاک، تفریح، باربری، نگهبانی و استفاده دیگر، همگی بهره برداری از جانوران بوده است. در این میان پیشرفت تکنولوژی و نیز شرایط انسان و تنوع نیازهای او، سبب ایجاد انگیزه های دیگری در انسان گردید تا به صورت های دیگری نیز از حیوانات بهره برد. آزمایش های پزشکی برای شناخت آثار داروها، از جمله این بهره برداری ها بوده است. ادیان آسمانی با رسالت هدایت انسان پا به عرصه گیتی نهاده و مطابق مصالح و مفاسد انسان را راهنمایی کرده اند. دین اسلام نیز دارای قوانینی است که تمام احتیاجات آدمی را اعم از فردی و اجتماعی، مادی و معنوی بیان نموده و یا ظرفیت تبیین را داراست. در رابطه با موضوع مورد بحث نیز برخی دلائل معتبر شرعی دلالت بر جواز استفاده داشته و گروه دیگری تحریم را بیان داشته اند. دوران امر میان ادله اباحه و تحریم و شک در موضوع، مکلف را به سمت اصل اباحه کشانده است. اما با دقت نظر در برخی ادله می توان به این نتیجه دست یافت که استفاده نوع بشر از محیط اطراف و به تبع آن موجودات زنده تابع قوانین عقلانی و شرعی است. پس باید نسبت به تمام نعمات الهی که در اختیار بشریت قرار گرفته است، با دیده طمع نگریسته نشود. استفاده عقلانی، نوعی از بهره برداری است که منافات با حقوق فطری و طبیعی نداشته و منجر به تباهی و اسراف نگردد. و نیز نباید در خود انسان حس سلطه جویی را ایجاد نماید.

فهرست منابع

قرآن کریم

ابن ادریس، محمد بن منصور، السرائر، موسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۴، قم.

احسائی، محمد بن ابی جمهور، عوالی اللئالی، موسسه سیدالشهداء علیه السلام، ۱۴۰۳، قم.

برقی، احمد بن محمد، المحاسن، دار الکتب الاسلامیه، بی تا، تهران.

تمیمی مغربی، نعمان بن محمد، دعائم الاسلام، موسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، ۱۳۸۳، قم.

- جوادی آملی، عبدالله، زن در آئینه جلال و جمال، نشر اسراء، ۱۳۸۷، قم.
- ، تسنیم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۷۹، قم.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، دار العلم للملایین، ۱۴۱۰، بیروت.
- حر عاملی، محمد بن حسن، هدایه الامه، آستانه قدس رضوی، ۱۴۱۳، مشهد.
- حلی، ابوالصلاح تقی الدین، الکافی فی الفقه، مکتبه امیرالمومنین علیه السلام، ۱۴۰۳، اصفهان.
- سید مرتضی، علی بن الحسین موسوی، الرسائل، دار القراءه الکریمه، ۱۴۰۵، قم.
- شهبازی، محمود، ادوار فقه، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۷، تهران.
- صدوق، محمد بن علی قمی، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، نشر شریف رضی، ۱۳۶۴، قم.
- ، علل الشرایع، مکتبه الداوری، بی تا، قم.
- طوسی، محمد بن حسن، عده الاصول، موسسه آل البيت عليهم السلام لاحیاء التراث، ۱۴۰۳، قم.
- فیض کاشانی، محمد محسن، الصافی فی تفسیر القرآن، مکتبه الصدر، ۱۴۱۶، تهران.
- قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۴، تهران.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳، تهران.
- متقی هندی، علاء الدین بن حسام الدین، کنز العمال، موسسه الرساله، ۱۴۰۹، بیروت.
- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳، بیروت.
- معلوف، لويس، المنجد، مترجم: مصطفی رحیمی، انتشارات صبا، ۱۳۷۷، تهران.
- منتظری، مهدی، مبانی فقهی شورای حل اختلاف، مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۹۹
- موسوی، سید روح الله، حقوق حیوانات در آیات و روایات، انتشارات فقه، ۱۳۹۴، قم.

مقالات

کرمی، محمد، نقی زاده، حامد، رفتار با حیوان آزمایشگاهی از منظر قرآن، نشریه اخلاق و تاریخ پزشکی، دوره چهارم، شماره ۱، ۱۳۸۹، تهران.

روشنایی، رامک، نقدی بر روش علمی، آزمایشگران حیوانی، گاهنامه گروه ایرانیان مخالف آزمایش روی حیوانات، سال اول، شماره ۱، ۱۳۹۱، تهران.